

آموزش حسابداری؛ یادگیری نکته‌ها و ظرافتها



گفتگو با

آقای دکتر مهدی مرادزاده فرد

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

سازمان

جنابعالی ضمن فعالیت در محیط آموزش دانشگاهی حسابداری، حضور چشمگیری نیز در آموزش‌های حرفه‌ای حسابداری دارید و به‌طور خلاصه با نیازهای آموزشی حرفه حسابداری و برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و دیگر مراجع عرضه‌کننده خدمات آموزشی آشنا هستید. در ابتدای گفتگو، خواهش‌مندیم توضیح دهید که آیا آموزش حسابداری دانشگاهی با آموزش حسابداری حرفه‌ای تفاوت دارد و تفاوت‌های کلی آنها چیست؟

دکتر مرادزاده فرد

برای پاسخ به این پرسش پیش فرضی را مطرح می‌کنم که اعتقاد دارم در صورت عام مسئله، فرضی صحیح است هر چند که در صددرصد موارد صادق نیست. فرض من عبارت از این است که حسابداران با ورود به دانشگاه و تحصیل این رشته اولین گامهای خود را در این مسیر نهاده و سپس با ورود به حرفه و با به‌کارگیری آموخته‌های خود، این راه را به سرانجام می‌رسانند. بر این اساس، آموزش دانشگاهی به‌عنوان گامهایی ابتدایی و بیشتر اوقات خالی از رویکرد اجرایی عمل کرده و تنها نقشی که دارد اینست که رهروان این مسیر را آماده می‌کند تا روزی توانایی لازم برای یک حسابدار حرفه‌ای بودن را داشته باشند. برای بیان بهتر حرفم از یک مثال استفاده می‌کنم؛ اگر کسی که رانندگی بلد نیست برای یادگیری رانندگی به آموزشگاهی مراجعه کند و پس از مدتی گواهینامه خود را دریافت نماید، آیا یک راننده حرفه‌ای تلقی می‌شود؟ مسلم این است که وی باید

این راستا در حال انجام است.

رویکرد دوم به آموزش دانشگاهی براساس آن چیزی است که تدریس می‌شود. متأسفانه توسعه کمی افسارگسیخته این رشته موجب شده که به دلیل نیاز دانشگاه‌های کشور، گاهی به مدرسانی اقبال شود که دارای توانایی‌های بایسته برای تدریس نیستند و خواه‌ناخواه خروجی‌های این‌گونه سیستمها هم کیفیت مناسب را ندارند.

سایر

گفته می‌شود حرفه حسابداری در قبال منافع همگانی تعهد دارد. اگر این حرف درست باشد، برنامه آموزش دانشگاهی چه آموزش‌هایی در زمینه آموزش تعهد حرفه‌ای به دانشجویان حسابداری عرضه می‌کند؟

دکتر مرادزاده فرد

تعهد و اخلاق حرفه‌ای دستکم در دوره کارشناسی رشته حسابداری در سیستم آموزش دانشگاهی تعریف نشده و در هیچ درس مشخصی تدریس نمی‌شود. البته امکان دارد شماری از استادان محترم و بر حسب سلیقه و علاقه‌مندی خود در برخی از دروسها اشاره‌هایی به این مطلب داشته باشند، اما همان‌گونه که می‌دانیم برای این امر حتی منبع درسی مشخصی وجود ندارد و ارائه این مبحث به صورت منسجم و عمومی انجام نمی‌شود.

سایر

ارزیابی شما از مراجع آموزشی حسابداری حرفه‌ای و غیردانشگاهی کشور چیست؟ آنها چه نقشی در آماده‌سازی حسابداران حرفه‌ای دارند؟ آیا ممکن است توان و اثربخشی آنها را با مراجع مشابه خارجی مقایسه کنید؟

تعهد و اخلاق حرفه‌ای

در سیستم آموزش دانشگاهی

تعریف نشده و

در هیچ درس مشخصی

تدریس نمی‌شود

سالها رانندگی کند تا تمام نکته‌ها و ظرافتهای کار را بیاموزد. حال اگر کار به نسبت ساده‌ای چون رانندگی برای کسب تبحر به چنین فرایندی نیاز دارد، پر واضح است که برای حسابدار حرفه‌ای شدن، مهارت ضرورت دارد. یک دانش‌آموخته دانشگاهی هم باید سالها طی طریق کرده و با هزاران نکته و ملاحظه‌های اجرایی و حرفه‌ای روبه‌رو شود و تجربه کسب کند تا روزی بتوان او را حسابدار حرفه‌ای تلقی کرد.

عمده‌ترین تفاوت‌های آموزش دانشگاهی با آموزش حرفه‌ای در این است که در آموزش دانشگاهی، و البته بیشتر در سطح لیسانس، مباحث به صورت کلی و بدون وارد شدن در جزئیات امر ارائه می‌شود، ولی در آموزش حرفه‌ای مباحث مطرح‌شده، بسیار فنی و با توجه به نکته‌ها و جزئیات کاربردی است.

سایر

ویژگیهای آموزش دانشگاهی حسابداری و محتوای کلی آنها در حال حاضر چیست؟ چه کمبودهای مهمی دارد و آموزش دانشگاهی چگونه باید برای رفع کمبودها کمک کند؟

دکتر مرادزاده فرد

به آموزش دانشگاهی باید از دو رویکرد نگریم؛ نخست بر مبنای سرفصلهای دانشگاهی که سالیانی دور به تحریر درآمده و به‌رغم کوششهایی که تاکنون صورت گرفته، تغییرهای عمده‌ای در آن دیده نمی‌شود.

سرفصلهای دروس گاهی تکراری و در بسیاری موارد نیز مسکوت و منسوخ هستند. برای مثال با مراجعه به سرفصلهای یادشده در دروسهای متعددی، بحث تحلیل نقطه سربه‌سری را خواهید یافت؛ در حالی که به‌رغم به‌کارگیری پانزده‌ساله استانداردهای حسابداری ایران و وجود استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، هنوز جایگاه مباحث آن در سرفصلهای دانشگاهی مشخص نیست و سرانجام معلوم نیست که آیا باید در درسی مانند حسابداری میانه ۲، صورت منابع و مصارف تدریس شود، یا صورت تغییرات در وضعیت مالی، یا صورت جریان وجوه نقد سه طبقه و یا پنج طبقه.

مسلم آن است که سرفصلهای دانشگاهی نیاز به بازبینی اساسی دارد و البته دانشگاه‌های ما نیز برای به سامان رساندن این مشکلها در تلاش هستند و به تازگی کوششهای متعددی در

در آموزش حرفه‌ای مباحث مطرح شده بسیار فنی و ورود یافته در نکته‌ها و جزئیات کاربردی است

دکتر مرادزاده فرد آموزش مراجع غیردانشگاهی را می‌توان با دو رویکرد بررسی کرد. در رویکرد نخست دانش‌پذیران با هدف ارتقای دانش خود و به‌طور همگانی به‌صورت داوطلبانه به مرکزهای آموزشی مراجعه می‌کنند؛ برای مثال، کسانی را می‌توان نام برد که با هدف شرکت در آزمون سالانه حسابدار رسمی، در کلاسهای آمادگی آزمون حسابدار رسمی شرکت می‌کنند. با توجه به اقبال دانش‌پذیران به یادگیری، بیشتر این‌گونه کلاسها و مطالب ارائه شده در آنها بسیار اثربخش بوده و در افزودن به توانایی‌های ایشان مؤثر است؛ اما در رویکرد دوم با دوره‌هایی هم روبه‌رو هستیم که شرکت‌کنندگان آنها بیشتر اوقات به اجبار در آنها حضور دارند و یا برای دریافت یک مدرک غیردانشگاهی حسابداری در آن کلاسها شرکت می‌کنند.

کلاسهای را که برای آموزش پیوسته کارکنان مؤسسه‌های حسابرسی برگزار می‌شود، می‌توان از نوع اول و یا کسانی که برای دریافت عنوانهایی مانند مدیر مالی حرفه‌ای، دوره‌هایی را می‌گذرانند را می‌توان از نوع دوم این موارد مثال آورد. چنین دوره‌هایی متأسفانه بیشتر دارای کیفیت و اثربخشی بایسته محسوب نمی‌شوند و رغبت نداشتن به یادگیری در این نوع دوره‌ها به‌صورت بارزی به چشم می‌آید؛ هر چند که این امر را نباید قاعده عام تلقی کرد. البته در این میانه، دوره‌های آموزشی نیز وجود دارد که منجر به دریافت مدرکهای حرفه‌ای بین‌المللی می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان دوره‌های آموزشی **انجمن حسابداران خبره مدیریت (CIMA)**

و **انجمن حسابداران خبره و رسمی (ACCA)** را نام برد. این‌گونه دوره‌ها به‌دلیل ضرورت تسلط به زبان انگلیسی، گذراندن مسیری که به‌طور کامل مبتنی بر آموزش حرفه‌ای و عمل‌گرایانه باشد، و برگزاری آزمون به‌وسیله نهادهای خارجی ارائه‌کننده مدرک حرفه‌ای، دانش‌پذیرانی را به خود جلب می‌کند که با علم به سختی راه در این مسیر گام می‌گذارند که به‌طور همگانی خروجی‌های این نظام، نیروهایی با کیفیت بالا و از نظر حرفه‌ای توانمند بوده و از نظر توانمندی‌های حرفه‌ای با نمونه‌های مشابه تحصیل کرده در خارج از کشور تفاوت معنی‌داری ندارند.

سازمان

آموزش استانداردها، به‌ویژه استانداردهای بین‌المللی، چگونه باید باشد؟ دانشگاه چه سهمی از آن دارد و مراجع حرفه‌ای چه سهمی؟ و این کار به چه روشی و به‌وسیله چه مراجعی باید انجام شود؟ آیا به همکاری خارجی نیز نیازمندیم؟

دکتر مرادزاده فرد

همان‌گونه که پیشتر اشاره کردم، آموزش استانداردهای حسابداری، در دانشگاه‌ها چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در دوره کارشناسی حسابداری، جایگاه بایسته خود را ندارد و ضرورت دارد هم دانشگاه‌ها و هم مراجع آموزشی حرفه‌ای نسبت به آموزش دقیق و برنامه‌ریزی شده این مبحثها، اقدام کنند. به‌طور طبیعی در این صورت، دانشگاه‌ها مسئول آموزش به ورودی‌های دانشگاهی خواهند بود و با برآوردن این نیاز از این پس می‌توانیم دانش‌آموختگان دانشگاهی را داشته باشیم

دارای مشکلاتی متعدد است- از دست می‌دهند و خواه‌ناخواه بیشتر اوقات پس از برگزاری هر آزمون با گروهی از اعتراضها روبه‌رو هستیم که به پرسشها، مدت آزمون و کیفیت آن مربوط می‌شود و به‌نظر اینجانب وجود این کاستی‌ها به دور از شأن برگزارکنندگان محترم آزمون یادشده است.

سایر

ارزیابی شما از توان جامعه حسابداران رسمی ایران برای آموزش مستمر حسابداران شاغل و به‌روز نگهداشتن دانش و مهارت اعضا برای پاسخگویی به انتظارات ذینفعان گزارشگری مالی چیست؟ نقاط قوت و ضعف جامعه در این امر مهم کدامست؟ چه پیشنهادهایی برای رفع کاستی‌های احتمالی دارید؟

دکتر مرادزاده فرد

برای آموزش بی‌وسسته جامعه حرفه‌ای کشور در رابطه با توان جامعه حسابداران رسمی ایران، از دو منظر می‌توان گفتگو کرد. چشم‌انداز نخست معطوف به نیروهای آموزش‌دهنده و استادان محترمی است که می‌توان برای برگزاری دوره‌های آموزشی از ایشان استفاده نمود که بی‌گمان از این چشم‌انداز، جامعه حسابداران رسمی ایران با هیچ کمبودی روبه‌رو نیست و بسیاری از استادان دانشگاهی و غیردانشگاهی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران بوده و توان بالقوه این امر را برای آن به‌سادگی فراهم می‌آورند. اما چشم‌انداز دوم به وجود امکانات آموزشگاهی برمی‌گردد که متأسفانه از این جهت امکانات جامعه حسابداران رسمی ایران در حال حاضر بسیار اندک است. البته تا آنجا که من اطلاع دارم جامعه حسابداران رسمی ایران در تدارک ساخت یک مجتمع آموزشی مناسب برای رفع این کاستی است که امیدوارم با پایان پروژه ساخت آن، در راستای رفع این اشکال، گام مناسبی برداشته شود.

سایر

از گفتگوی با شما به‌خوبی استنباط می‌شود که کارهای زیادی در حوزه آموزش دانشگاهی و حرفه‌ای، هر دو، در پیش رو داریم. با توجه به اهمیت و نقش آموزش در توسعه حسابداری، امیدواریم دیدگاه شما در رفع کاستی‌ها، سودمند واقع شود.



که تسلط خوبی بر این استانداردها داشته باشند. مرکزهای آموزش حرفه‌ای هم خواه‌ناخواه مسئول آموزش به افرادی از اعضای حرفه خواهند بود که از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند و برای آموزش استانداردهای حسابداری امکان بازگرداندن ایشان به دانشگاه وجود ندارد.

از استانداردهای ملی که بگذریم، برای آموزش استانداردهای بین‌المللی ما بی‌گمان به ارتباطات خارجی نیاز داریم. تأمین مدرسان مورد نیاز برای آموزش استانداردهای بین‌المللی محدودیت بزرگ ما است. پیشنهاد من این است که در کنار استفاده از افراد اندکی که در اختیار داریم، به دو شیوه دیگر برای تأمین نیازها و کسری نیروهایمان اقدام کنیم؛ نخست، دعوت از مدرسان خارجی برای آموزش استانداردهای بین‌المللی در ایران؛ به‌نظر می‌رسد که این امر می‌تواند بیشتر جزو مقدرات مرکزهای آموزش حرفه‌ای باشد و دوم، اعزام دانش‌پذیر برای آموزش در خارج از کشور که این امر می‌تواند با اعطای بورس از سوی سازمانها، انجمنهای حرفه‌ای، و مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی و یا اعطای امتیاز فرصت مطالعاتی به اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها انجام شود.

سایر

آیا روش ثبت‌نام، روش آزمون، محتوا و نوع پرسشها، نصاب قبولی، و دیگر سازوکارهای مربوط به امتحان حسابدار رسمی ایران، ابزار مناسبی برای اطمینان از صلاحیت و شایستگی پذیرفته‌شدگان حسابداری رسمی است؟ چه پیشنهاد مهمی برای بهبود آن دارید؟

دکتر مرادزاده فرد

در مورد این پرسش شما، پیشنهاد من این است که از شیوه‌هایی که مرکزهای حرفه‌ای معتبر جهانی استفاده می‌کنند، الگوبرداری کنیم و در صورت نیاز ساختار کنونی اصلاح شود. به‌ویژه در مورد آزمون حسابدار رسمی باید دقت نظر و ظرافت بیشتری اعمال گردد. حذف هر ساله تعدادی از پرسشهای مطرح‌شده به‌دلیل اشتباه متنی و یا مطابقت نداشتن با مفادی که قرار بوده مورد آزمون قرار گیرد، صدمه بزرگی به حساب می‌آید. بسیاری از آزمون‌دهندگان اعتماد و اعتقاد خود را نسبت به آزمونی که در آن شرکت کرده‌اند تا تواناییهای ایشان از نظر حرفه‌ای سنجیده شود- در حالی که خود آن آزمون